

و صل شدن اینترنت در روزهای اخیر حکم یک دستاورد در حکمرانی دیجیتال ایران را پیدا کرده و حتی دولت پزشکیان را به واسطه این تصمیم، به چالش کشیده است. به گزارش اقتصاد۲۴، بوق‌های رسانه‌ای پیاپی اعلام می‌کنند که شبکه پایدار است و ارتباطات برقرار؛ اما هر شهروند، هر صاحب کسب‌وکار و هر پژوهشگری که روز خود را با فشردن دکمه «اتصال» فیلترشکن‌های گوناگون آغاز می‌کند، می‌داند که این یک اتصال ویرتونی است و زیر پوست این اتصال ظاهری، زخم‌هایی از اقتصاد، آموزش، درمان و امنیت روانی جامعه همچنان در حال خونریزی است. واقعیت این است که پس‌لرزه‌های دوره‌های طولانی خاموشی مطلق و فیلترینگ هوشمند، ساختار زیست دیجیتال ایران را دچار چنان فرسایشی کرده که حتی در روزهای بدون قطعی کامل نیز، چرخ‌های توسعه به سختی می‌چرخند.

پرسش اساسی این است که صورت‌حساب این خاموشی‌های زنجیره‌ای و فرسایش مستمر را چه کسانی پرداخت می‌کنند و چرا با وجود ادعای اتصال، آسیب‌ها همچنان ادامه دارند؟

اینترنت؛ زیرساخت بقای خانوار، نه ابزار تفریح

دهه گذشته، دوران تغییر ماهیت اینترنت در شبکه زندگی ایرانیان بود. فضای مجازی از یک ابزار سرگرمی یا ارتباطی صرف، به ستون فقرات معیشت، آموزش، درمان و حتی احساس امنیت فردی تبدیل شد. امروز وقتی از اختلال یا فیلترینگ سخن می‌گوییم، درباره قطع شدن چند اپلیکیشن یا شبکه اجتماعی خارجی حرف نمی‌زنیم؛ بلکه درباره فلج شدن بخشی از سازوکار بقای خانوارها صحبت می‌کنیم.

حامد بیدی، تحلیلگر فضای مجازی و اقتصاد دیجیتال، در تحلیل این وضعیت به رسانه‌ها می‌گوید: «اینترنت در ایران به زیرساخت معاش، آموزش، درمان، مهاجرت و احساس امنیت فردی تبدیل شده است. وقتی این مسیر بسته یا ناامن می‌شود، فقط چند اپلیکیشن قطع نشده، بلکه بخشی از سازوکار بقای خانوار مختل می‌شود.» او تأکید می‌کند که هزینه این خاموشی مستمر، هر روز از جیب، وقت، اعتماد، درآمد و آینده مردم پرداخت می‌شود و این خسارت‌ها با یک وصل شدن صوری و بی‌کیفیت، هرگز جبران نخواهد شد.

سقوط رتبه علمی کشور؛ وقتی قطعی اینترنت مرزهای دانش را جابه‌جایی‌کند
تصور عمومی بر این است که آسیب‌های اینترنت تنها متوجه کسب‌وکارهای اینستاگرامی یا صنف آتی است؛ اما ابعاد این فاجعه چنان گسترده است که حتی ساختار تولید علم در کشور را نیز به زانو درآورده است. تاخیرهای ناشی از قطعی اینترنت و عدم دسترسی پژوهشگران به سرورهای بین‌المللی، ضربه‌ای کاری به جایگاه علمی ایران در منطقه و جهان وارد کرده است. شاهین آخوندزاده، معاون وزیر بهداشت، با ارائه آماری تکان‌دهنده برده از یک فاجعه علمی برمی‌دارد. او توضیح می‌دهد که وزارت بهداشت، وزارت علوم و دانشگاه آزاد در مجموع حدود ۴۵۰ مجله بین‌المللی دارند که مهم‌ترین ظرفیت علمی کشور برای انتشار

صورت حساب سنگین خاموشی اینترنت برای ایرانیان

از اتصال ظاهری تا فرسایش واقعی

اینترنت بالاخره وصل شد، اما بار سال‌ها فیلترینگ، اختلال و قطعی‌های گسترده همچنان بر دوش اقتصاد، آموزش، پژوهش و زیست روزمره ایرانیان سنگینی می‌کند؛ خسارت‌هایی که با وصل شدن دوباره اینترنت از بین نمی‌روند.



دستاوردهای پژوهشگران ایرانی در شرایط تحریم به شمار می‌روند. آخوندزاده می‌گوید: «به دلیل قطعی و اختلالات گسترده اینترنت در سه مقطع، این مجلات نتوانستند بخشی از مقالات پذیرفته‌شده خود را در موعد مقرر بارگذاری و منتشر کنند. در مجموع حدود ۷۰۰ شماره مجله با تأخیر مواجه شد و نزدیک به ۵۶۰۰ مقاله علمی از دست رفت.»

نتیجه این سهل‌انگاری و نگاه امنیتی به پهنای باند چه بود؟ به گفته معاون وزیر بهداشت، اگر این مقالات در زمان مقرر منتشر می‌شدند، ایران از نظر تعداد مقالات علمی حدود ۳ هزار مقاله از رقابت منطقه‌ای خود یعنی عربستان سعودی جلوتر بود؛ اما ایران دقیقاً به دلیل همین اختلالات اینترنتی، یک رتبه علمی حیاتی را در جهان از دست داد. این یعنی خسارتی ساختاری که به این راحتی‌ها در جماع بین‌المللی قابل بازسازی نیست.

زخم کارهای ناتمام؛ از دست رفتن سرمایه اعتماد در اقتصاد

دیجیتال

در دنیای تجارت امروز، «اعتبار» و «پایداری زیرساخت»، دو رکن اصلی جذب سرمایه و حفظ مشتری هستند. وقتی شبکه‌ای به طور مداوم دچار اختلال می‌شود یا ریسک قطع شدن ناگهانی آن وجود دارد، دیگر هیچ شریک تجاری خارجی یا داخلی روی آن حساب نمی‌کند. بسیاری از شرکت‌های ایرانی که خدمات خود را بر بستر

صورت حساب سنگین خاموشی اینترنت برای ایرانیان

از اتصال ظاهری تا فرسایش واقعی

بیش از آنکه یک ضرورت فنی باشد، پوششی برای کنترل جریان آزاد اطلاعات و فرار از پاسخگویی است. جالب اینجاست که گزارش‌های تخصصی نشان می‌دهند قطع اینترنت ابداً تأثیری در کاهش یا مهار حملات سایبری نداشته است. هکرها و گروه‌های نفوذ، در همان فضایی که اینترنتش برای شهروندان عادی و کسب‌وکارهای کوچک قطع یا به شدت محدود شده بود، توانستند به راحتی به زیرساخت‌های حیاتی، سامانه‌های دولتی و بانک‌های اطلاعاتی آسیب بزنند. این نفوذها ثابت کرد که امنیت سایبری با مسدود کردن پهنای باند مردم تأمین نمی‌شود، بلکه نیازمند دانش فنی، نوسازی تجهیزات و افزایش سطح دسترسی به پروتکل‌های امنیتی جهانی است؛ رویکردی که خود با فیلترینگ و انزوای دیجیتال کشور تضعیف شده است.

تبدیل حق عمومی به امتیاز طبقاتی و فاجعه فرار مغزها

یکی از خطرناک‌ترین پیامدهای استمرار این وضعیت، بازتولید نابرابری اجتماعی از طریق ابزار دیجیتال است. امروز دسترسی به اینترنت باکیفیت و بدون فیلتر (از طریق خرید مداوم فیلترشکن‌های گران‌قیمت یا دسترسی به اینترنت‌های خاص)، از یک حق عمومی و شهروندی به یک امتیاز طبقاتی تبدیل شده است؛ امتیازی که تنها بخش ثروتمند جامعه و برخی نهادهای خاص توان پرداخت هزینه‌های گزاف آن را دارند و توده مردم و استارت‌آپ‌های نوپا از آن محرومند.

وقتی امید به بهبود زیرساخت‌ها ناپدید می‌شود و پنجره‌های ارتباط با جهان بسته می‌ماند، ناامیدی بزرگی بر آتمسفر نخبگانی کشور سایه می‌افکند. حامد بیدی در این باره هشدار می‌دهد که «مهاجرت استارت‌آپ‌ها و نخبگان، نتیجه مستقیم سیاست‌های اشتباه در حکمرانی دیجیتال است.» وقتی یک تیم استارت‌آپی متوجه می‌شود که زحمات چندساله‌اش می‌تواند با یک تصمیم سلیقه‌ای و شبه‌امنیتی در چند ساعت نابود شود، چمدان‌های خود را می‌بندد. پیامد این خاموشی‌ها از کوچ دسته‌جمعی مغزها و تیم‌های فنی تا ناامنی شدید زیرساخت‌های دیجیتال کشور امتداد یافته است.

اینترنت وصل است، اما زندگی دیجیتال نه!

بررسی واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد که اصرار بر ادامه فیلترینگ و اختلالات پنهان، چیزی جز «خودتخریمی» و خودزنی ساختاری نیست. حکمرانی دیجیتال نمی‌تواند پشت وواژه‌هایی، چون «پایداری شبکه ملی» پنهان شود، در حالی که رتبه علمی کشور سقوط می‌کند، بازار کار بخش فناوری تارومار می‌شود، حملات سایبری همچنان قربانی می‌گیرند و استارت‌آپ‌ها راه مهاجرت را پیش می‌گیرند.

اتصال فعلی اینترنت، بیشتر به یک تنفس مصنوعی شبیه است تا حیات واقعی. تا زمانی که نگاه به اینترنت به عنوان یک تهدید امنیتی تغییر نکند و به عنوان یک حق زیستی و اقتصادی به رسمیت شناخته نشود، صورت‌حساب این خاموشی‌ها همچنان از جیب اعتماد عمومی و آینده توسعه این مرز و بوم پرداخت خواهد شد؛ خسارتی که شاید تا دهه‌ها نتوان بر پاره‌های تن آن مرهمی گذاشت.

دارد و تاکنون هیچ قانون یا مجوزی برای آزادسازی کشت خشخاش صادر نشده است. بیان دیگر، تا زمان تصویب هرگونه قانون جدید، تمامی مقررات فعلی به قوت خود باقی است.

واقعیت میدانی؛ مزارعی که هر روز کشف می‌شوند

در حالی که مباحث کارشناسی درباره آینده کشت دارویی ادامه دارد، آمارهای میدانی از رشد نگران‌کننده کشت غیرقانونی خشخاش در برخی مناطق کشور حکایت می‌کند. اظهارات مسئولان نشان می‌دهد طی سال‌های اخیر مزارع متعددی در استان‌های غربی، جنوبی و شرقی کشور شناسایی و امحا شده‌اند؛ از خوزستان و کرمانشاه گرفته تا فارس و خراسان جنوبی.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با ابراز نگرانی از این روند گفته است: در بسیاری از استان‌های کشور مردم به صورت غیرقانونی اقدام به کشت خشخاش کرده‌اند و گزارش‌ها نشان می‌دهد سطح این کشت‌ها در برخی مناطق قابل توجه است؛ حتی در استانی که پیش‌تر برنج کشت می‌شد، امروز برخی کشاورزان به سمت کشت خشخاش رفته‌اند.

در یکی از قابل توجه‌ترین آمارهای منتشر شده، مسئولان مبارزه با مواد مخدر استان کرمانشاه از امحای حدود ۱۴۰۰ هکتار زمین زیر کشت خشخاش در یک دوره زراعی خبر داده‌اند؛ رقمی که ابعاد این پدیده را بیش از پیش آشکار می‌کند. تنها در ماه‌های اخیر نیز چندین مزرعه بزرگ در شهرستان‌های حمیدیه، اندیمشک، شوش، خوسف، کازرون و همچنین مناطق حفاظت‌شده کرمانشاه شناسایی و معدوم شده‌اند.

چرا کشاورزان به سمت خشخاش می‌روند؟

پشت پرده افزایش کشت غیرقانونی، مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و اجتماعی قرار دارد. سودآوری بالا، مشکلات معیشتی برخی کشاورزان، کم‌آبی، افزایش هزینه‌های تولید و کاهش صرفه اقتصادی برخی محصولات سنتی، از جمله عواملی است که زمینه‌گرایش به کشت‌های غیرمجاز را فراهم می‌کند.

همین مسئله باعث شده برخی نمایندگان مجلس و صاحب‌نظران تأکید کنند که برخورداری از انتظامی و قضایی، هرچند ضروری است، اما به تنهایی نمی‌تواند ریشه‌های این پدیده را از بین ببرد.

برونده خشخاش در ایران اکنون در نقطه‌ای حساس قرار گرفته است.

از یک سو، قانون با صراحت کامل هرگونه کشت این گیاه را ممنوع می‌داند و دستگاه‌های مسئول بر برخورد قاطع با متخلفان تأکید دارند. از سوی دیگر، نیازهای دارویی کشور و کاهش منابع تأمین مواد اولیه، بحث کشت مدیریت‌شده را به یکی از موضوعات مهم سیاستگذاری تبدیل کرده است.

در همین حال، افزایش مزارع غیرقانونی نیز نشان می‌دهد که صرف ممنوعیت قانونی نتوانسته مانع کامل‌گسترش این پدیده شود. اکنون پرسش اصلی پیش روی تصمیم‌گیران این است که آیا کشور باید به سمت الگویی کنترل‌شده برای تأمین نیازهای دارویی حرکت کند یا همچنان راهبرد ممنوعیت مطلق و برخورد قضایی را ادامه دهد؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند مسیر آینده یکی از حساس‌ترین پرونده‌های حوزه سلامت، کشاورزی و مبارزه با مواد مخدر در ایران را مشخص کند.

در کدام استان‌ها خشکسالی ادامه دارد؟

تهران در بفرغ‌ترین شرایط آبی

۱۰ درصد منفی است. تا ۱۶ خرداد ۹۱ درصد سد لار در سامانه شرق خالی است که کاهش ۴۲ درصدی را نسبت به متوسط ۱۰ ساله نشان می دهد

سد سالدقان ۵۲ درصد پرشدگی دارد اما نسبت به سال گذشته ۲ درصد و نسبت به متوسط ۱۰ ساله ۳۳ درصد ذخیره آبی کمتری دارد.

سد لتیان ۶۹ میلیون متر مکعب موجودی و ۹۱ درصد پرشدگی دارد و ۲۷ درصد نسبت به پارسال و ۶ درصد در مقایسه با متوسط ۱۰ ساله مثبت است. سد ساملو اما ۱۶ درصد پرشدگی ۳۹ میلیون متر مکعب موجودی را ثبت کرده که نسبت به سال گذشته ۴۶ درصد مثبت و در مقایسه با متوسط ۱۰ ساله ۷۲ درصد منفی است.

یادآور می شود: استان های تهران، قم، سمنان و مرکزی با حدود ۳۰ درصد کاهش بارش، بدترین وضعیت خشکسالی را دارند.

در ارزیابی وضعیت ریزش های جوی از اول مهر تا ۱۵ خرداد سال آبی ۱۴۰۵-۱۴۰۴؛ ارتفاع کل بارندگی کشور معادل ۲۳۲.۷ میلیمتر است این مقدار بارندگی در دوره های مشابه درازمدت ۲۳۱.۶ میلیمتر و در دوره مشابه سال آبی گذشته ۱۳۸.۲ میلیمتر را نشان می دهد.

پس از گذشت دو سوم از سال آبی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ و تقریباً پایان فصل بارش

شنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۵ / شماره ۶۱۹۳

اخبار

پدیده «ال نینو» آغاز شده است



کارشناسان اعلام کردند پدیده ال نینو، الگوی طبیعی آب و هوایی در اقیانوس آرام که باعث افزایش دمای جهانی می‌شود، رسماً آغاز شده است.

به گزارش ایسنا، اداره ملی اقیانوسی و جوی آمریکا (NOAA) اعلام کرد شرایط ال نینو اکنون در بخش گرمسیری اقیانوس آرام شکل گرفته و دمای سطح آب دریا در ماه‌های اخیر به طور قابل توجهی افزایش یافته‌است. بسیاری از پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند که این دوره ممکن است به یک «ابر ال نینو» تبدیل شود و حتی در میان قوی‌ترین نمونه‌های ثبت شده قرار گیرد. این پدیده که بر روند گرمایش ناشی از فعالیت‌های انسانی در دهه‌های گذشته افزوده می‌شود، می‌تواند موجب ثبت یک سال با رکورد جدید گرما شود؛ اتفاقی که به احتمال زیاد در سال ۲۰۲۷ رخ خواهد داد.

همچنین پیامدهای آن بر الگوهای آب و هوایی، تأمین مواد غذایی و اقتصاد کشورها ممکن است تا مدت ها ادامه داشته باشد. اعلام رسمی این موضوع از سوی اداره ملی اقیانوسی و جوی آمریکا چندان غافلگیرکننده نبود، زیرا کارشناسان از پیش انتظار آغاز این دوره گرم را داشتند. این اتفاق از پایان یافتن پدیده «الانینا»، الگوی خنک‌تر و موسوم به «خواهر ال نینو» در اوایل سال جاری میلادی رخ داده است. به گزارش بی بی سی، سیلابی سطح آب در بخش مرکزی و گرمسیری اقیانوس آرام اکنون از آستانه نیم درجه سانتیگراد بالاتر از میانگین عبور کرده است؛ معیاری که دانشمندان آمریکایی برای تعریف یک رویداد ال نینو از آن استفاده می‌کنند.

نسخه وزیر بهداشت برای جبران قیمت دارو

وزیر بهداشت با اشاره به مشکلات تأمین مواد اولیه و همچنین تأثیر تورم و نوسانات ارزی و بر قیمت دارو، در غین حال تقویت پوشش بیمه‌ای و حمایت از تولید داخل را راهکار اصلی وزارت بهداشت برای جلوگیری از افزایش فشار مالی بر بیماران عنوان کرد و از نامه‌نگاری با رئیس مجلس برای اختصاص بودجه جهت تقویت بیمه‌ها و جبران گرانی‌ها در حوزه درمان خبر داد.

به گزارش ایسنا، دکتر محمدرضا ظفرقندی درباره اقدامات وزارت بهداشت در بحث هزینه دارو، به‌ویژه داروهای بیماران خاص، با توجه به افزایش قیمت‌های اخیر، به‌ویژه پس از جنگ، با بیان اینکه بیش از ۵۰ درصد وقت‌مان در وزارت بهداشت را در بحث دارو صرف می‌کنیم؛ گفت: با توجه به اینکه در حال حاضر مبادی ورودی مواد اولیه دارو از مسیر دریا که باید از هند یا چین وارد شود یا بخش‌هایی که از مسیر هوایی وارد می‌شده، بعضاً دچار مشکلاتی است که با ریزش و صحبت با مسئولان ذریبط در وزارت خارجه، وزارت راه و شهرسازی و دیگر مسئولان مربوطه، در تلاش برای جبران آن هستیم تا در ورود مواد اولیه مشکل ایجاد نشود. وزیر بهداشت با اعلام اینکه دو راه برای حل مشکل افزایش هزینه داروها داریم، گفت: ما به هر حال در کشور تورم و تغییرات نرخ ارز را داریم که این‌ها ناگزیر روی بحث قیمت دارو اثرگذار است.

یک راه‌حل اساسی در مقابل این افزایش قیمت و گرانی داروها این است که باید پوشش بیمه‌ای را افزایش دهیم تا چرخ تولید کارخانه‌های دارویی ما نایستد؛ تولید ادامه داشته باشد و در نتیجه باری بر دوش مردم وارد نشود.

ظفرقندی با تأکید بر اینکه راه‌حل این مسئله فقط این است که بتوانیم بیمه‌ها را تقویت کنیم، اضافه کرد: به همین منظور نامه و مکاتبه‌ای با آقای دکتر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی داشتیم که در مجلس یک ردیف بودجه مستقیم و مجزا برای تقویت بیمه‌ها پیش‌بینی و تصویب کنند که بیمه‌ها این گرانی که بر هزینه درمان بیماران تحمیل شده را جبران کنند و مسئله گرانی دارو به این شکل حل شود. وی با بیان اینکه راه‌حل دیگر هم این است که از تولید داخل حمایت بیشتری کنیم، افزود: یعنی اگر دارویی با کیفیت خوب و درست که همکاران انجمن‌های علمی ما آن را ارزیابی و تأیید می‌کنند، در کشور داریم، طبیعی است که باید آن اضافه ارزی که هزینه می‌شود تا دارو از خارج وارد کنیم، را صرف حمایت از تولید داروی باکیفیت در داخل کنیم. این ۲ اقدام، از حرکت‌های اصلی است که ما در وزارت بهداشت در زمینه مدیریت افزایش هزینه داروها داریم.

استان‌های تهران، قم، سمنان و مرکزی با حدود ۳۰ درصد کاهش بارش، بدترین وضعیت خشکسالی را دارند و در استان‌های دارای خشکسالی، تهران دارای بفرغ‌ترین وضعیت است.

به گزارش ایلنا، بر پایه آخرین آمار از ذخایر سدهای کشور تا ۱۶ خرداد سال آبی ۱۴۰۴-۱۴۰۵؛ ورودی آب به سدها ۴۱ میلیارد و ۵۶۰ میلیون متر مکعب بوده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۷۶ درصد و در قیاس به متوسط ۱۰ ساله، ۱۲ درصد افزایش یافته است.

تا این تاریخ حجم آب موجود در مخازن سدها ۳۴ میلیارد و ۹۳۰ میلیون متر مکعب بوده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۳۲ درصد و نسبت به متوسط ۱۰ ساله نیز ۹ درصد بیشتر شده است.

این گزارش می‌افزاید: ۳۳ درصد حجم مجموع سدها همچنان خالی است. رصد سدهای تأمین کننده آب شرب و کشاورزی حاکی از آن است که تا ۱۶ خرداد سال آبی جاری وضعیت دوسرزی و طوق در خراسان رضوی، بارزه در خراسان شمالی و سوادو در استان مرکزی در وضعیت قرمز بسر می برند.

بررسی سدهای تأمین کننده آب شرب و کشاورزی تهران و البرز بیانگر آن است که امیرکبیر با ۱۴۰ میلیون متر مکعب موجودی و ۷۸ درصد پرشدگی ۸۸ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته مثبت اما نسبت به متوسط ۱۰ ساله



استان های دیگری می تواند بحران کم آبی و خشکسالی را به استان های دیگر نیز منتقل کند، جبران کمبود منابع آب نیز تنها برای یک سال آبی در استان های دارای وضعیت ترسالی ممکن است.